

befehlen لغت شب Wort der Nacht

written by مرتضی غلام نژاد | دسامبر 21, 2016

befehlen یک فعل می باشد

فرمان صادر کردن ، دستور دادن ، امر کردن ، پیشنهاد دادن ، توصیه کردن ، سپردن چیزی به کسی ، فراخواندن

befahlen : گذشته ساده

haben befohlen : گذشته کامل

über, in : حرف اضافه مورد استفاده

Befiehl dich in Gottes Hand

خودت را به دستان خدا بسپار!

Wer befehlen will, muss erst gehorchen lernen

کسی که می خواهد فرمان بدهد ، باید اول فرمان بردن را یاد بگیرد

کسی که می خواهد دستور بدهد ، باید اول دستور بردن را یاد بگیرد

Über eine Armee befehlen

به یک ارتش فرمان دادن یا یک ارتش را فراخواندن

Der Befehl یک اسم مذکر می باشد

دستور ، امر ، فرمان ، گوش به فرمان کسی بودن ، به کامپیوتر دستور دادن

Jemandem einen Befehl geben

به کسی یک فرمانی را دادن

Den Befehl verweigern

آن فرمان را سر باز زدن

تفکر فارسی : از آن فرمان سر پیچی کردن یا از آن فرمان امتناع کردن

Befehl ist Befehl

دستور ، دستور است
اصطلاح فارسی : از یک فرمان باید بی چون و چرا اطاعت شود

موفق باشید. ?
? Viel Erfolg